

مقدمه‌ای بر تاریخ علوم در تمدن اسلامی

با نظر به روش علمی دانشمندان مسلمان

جغرافیا، تاریخ، ترجمه، فقه، حقوق، تفسیر، حدیث، ادبیات، فلسفه، اقتصاد

(۳)

مأخذ: علم و دین در حیات معقول، محمدتقی جعفری / ۲۳۲ - ۲۲۰

مقدمه‌ای بر علم جغرافیا در تمدن اسلامی

در دوره شکوفایی تمدن اسلامی، توجه نسبتاً شدیدی به علم جغرافیا مبذول شد و دانشمندان مسلمان، کتب متعددی درباره کوه‌ها، راه‌ها و کشورها نوشتند. جان برنال می‌گوید:

آنان (مسلمین) گرچه از لحاظ نظری در جغرافی پیشرفتی چندان حاصل نکردند، لکن در جهت علمی، بر دانش یونانیان تا به آن حد افزودند که پایه جغرافیای جدید آسیا و شمال آفریقا را پی افکندند.^۱

به طور کلی، سه دلیل مهم باعث شد که علم جغرافیا در تمدن اسلامی، رواج بیش‌تری پیدا کند:

- ۱- برداشته شدن مرزهای پیشین و یکپارچه شدن مناطق وسیع، از دره سند تا اندلس.
- ۲- وجوب رفتن به مکه که باعث شد مسلمانان راه‌ها را به خوبی شناسایی کنند.
- ۳- کنجکاوی دانشمندان اسلامی و خصوصاً تشویق قرآن مجید و پیامبر اسلام نسبت به کسب علم و دانش. بنا به همین دلایل بود که کتاب‌هایی چون: *المجسطی* و *مدخلی در جغرافیا* که تألیف بطلمیوس بود، به سرعت به زبان عربی ترجمه شد و در این میان، بهترین و اولین اثر جغرافیایی را خوارزمی به نام *صورة الارض* نوشت.

جغرافیا و جهانگردی

در قرآن کریم، تأکید فراوانی به سیر و سیاحت و اندیشه در سرنوشت اقوام و ملل شده است. این امر علاوه بر دلایلی که به امور بازرگانی، سیاسی و مذهبی - مانند حج و ... - مربوط می‌شد، باعث شد مسلمین در زمینه جغرافیا و جهانگردی نیز پیشرفت چشمگیری کرده و آثار ارزنده‌ای از خود بر جای بگذارند.

نخستین چهره مسلمان در جغرافیا، هشام بن محمد کلبی است که در اوایل قرن سوم - مخصوصاً به خاطر تحقیقاتی که در مورد جزیره العرب نمود - شهرت پیدا کرد.

پس از وی، جغرافی دانان دیگری ظاهر شدند که قدیمی‌ترین آن‌ها محمد بن موسی خوارزمی ریاضی دان و منجم مشهور بود. وی با کتاب «صورة الارض» خود، پایه‌های این علم را در دانش مسلمین بنا نهاد.

از جغرافی دانان دیگر قرن سوم، الکندی فیلسوف معروف و مؤلف کتاب *رسالة فی الربع المسکون* و هم‌چنین یعقوبی، مصنف کتاب *البلدان* را می‌توان نام برد. این کتاب - مخصوصاً به لحاظ اشتمال بر اطلاعات مربوط به

۱- علم در تاریخ، جان برنال، ج ۱، ص ۲۱۲.

جغرافیای طبیعی - اهمیت خاصی دارد.

در این قرن و قرن بعد، روی اصل برقرار شدن روابط پستی میان ممالک کشور پهناور اسلامی و کشورهای هم‌جوار، کتاب‌هایی برای شناختن راه‌های ارتباطی به نام *المسالک و الممالک* (راه‌ها و کشورها) توسط افرادی از قبیل: کندی، احمد بن سرخسی، عبدالله بن خرداد به، ابوزید احمد بن سهل بلخی، ابو عبدالله محمد جیهانی اسطخری و ابوالقاسم محمد بن حوقل به رشته تحریر در آمد.

این نکته را ناگفته نباید گذاشت که: ابن حوقل، برای نوشتن کتابش در این زمینه، ۲۸ سال تمام کشورهای پهناور اسلامی آن روز را طی کرد، آن‌گاه محصول مطالعاتش را به نام «المسالک و الممالک» نگاشت و از این رهگذر اطلاعات گرانبهایی در اختیار بشریت نهاد.

هم‌چنین، در قرن سوم و چهارم، ناخدایان مسلمان در اقیانوس هند کشتی‌رانی کرده، توانستند خاور دور را کشف نمایند. نخستین توصیف کشور چین - در واقع - از همان زمان باقی مانده است که سلیمان تاجر گزارش سفر دریایی خود را به آن سرزمین نوشت. این سفر و سفرهای مشابه آن بود که سرانجام سبب پیدایش افسانه‌های سندباد بحری در کتاب هزار و یک شب شد. این سفر، پنج قرن پیش از سفر مارکوپولو به کشور چین صورت گرفته است.^۱

در قرن چهارم، علاوه بر کتاب‌های «مسالک و ممالک» - که ذکر آن گذشت - کتاب‌های بزرگ جغرافیا نیز تألیف شد که از آن جمله است: «دائرة المعارف بزرگ» ابن رسته و «سفرنامه» ابن فضلان. ابن فضلان نخستین جغرافی‌دان سیاحی بود که از رود «ولگا» گذشت و از نواحی اطراف بحر خزر دیدن کرد. *صور الاقالیم* کتابی بود که ابوزید بلخی نوشت. او یکی از قدیمی‌ترین نقشه‌نگاران است.

هم‌چنین، به این دوره متعلق است، کتاب *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* تألیف شمس‌الدین ابو عبدالله محمد مقدسی. او از بیت المقدس - که وطنش بود و به همین جهت او را مقدسی می‌گویند - به راه افتاد و تقریباً از همه سرزمین‌های اسلامی دیدن کرد. در این میان، به کتاب *حدود العالم برمی‌خوریم* که مؤلف آن ناشناخته مانده است.

مهم‌ترین جغرافیادان، مورخ و طبیعی‌دان این دوره ابو الحسن مسعودی است که باید از بزرگ‌ترین مورخان و دانشمندان اسلام محسوب شود. او گرچه بسیاری از آثار و از جمله تاریخ عمومی سی جلدی‌اش از بین رفته، ولی کتاب «*مروج الذهب*» و «*معادن الجواهر*» او، مشتمل است بر تعداد زیادی از اطلاعات جدی و قابل اعتنا درباره جغرافیا، زمین‌شناسی و تاریخ طبیعی. هم‌چنین، *التنبیه والاشراف* که در آخر عمر نوشت، خلاصه‌ای بود که از نظر کلی و فلسفه علمی وی و از وسعت اطلاعات و مایه اشتها او حکایت می‌کند. کتاب «المسالک و الممالک» ابواسحق اسطخری را نیز که در این قرن نوشته شد، نباید از نظر دور داشت.

ناصر خسرو قبادیانی سفرنامه خود را در قرن پنجم نوشت، که بر مقدار فراوانی از اطلاعات جغرافیایی درباره خاورمیانه مشتمل است.

مقارن با همین زمان، البکری قدیمی‌ترین جغرافی‌دان اندلسی، کتاب «المسالک و الممالک» و «معجم ما

۱. کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین‌کوب، ص ۷۵؛ علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر.

استعجم» را تألیف کرد و سنتی را در جغرافیانویسی بنا نهاد که قرن‌ها بعد از او نیز ادامه یافت. اما ابوریحان بیرونی، بزرگ‌ترین پایه‌گذار جغرافیای ریاضی بود که درباره طول و عرض جغرافیایی و فواصل شهرها، تحقیقات جالبی نمود و توانست با مفروض گرفتنِ کرویّت زمین، فاصله یک درجه از قوس نصف النهار را اندازه‌گیری کند و بر این اساس، محیط کره زمین و ارتفاع کوه‌ها را با محاسبات ریاضی به دست آورد. وی استدلال‌هایی برای کرویّت زمین ارائه داده است. کتب تحقیق ماللهند، تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکین، آثار الباقیه از نوشته‌های جغرافیایی اوست.

اما قرن ششم، با یک رشته گزارش‌های مربوط به سفرهای دریایی و رهنامه‌ها نیز همراه است که دریانوردان نامداری چون سهل‌بن ابان نوشته‌اند.

مهم‌ترین جغرافی‌دانان این دوره، از سرزمین‌های غربی اسلام - مخصوصاً از اندلس - برخاسته‌اند، از جمله: الزهری غرناطی [اهل اندلس]. او کتاب جغرافیایش را در همین دوره نوشت و هموطن او ابو حامد محمد بن عبدالرحمان المازنی نیز که در این دوره شکوفان شد، مسافرت‌های فراوانی به خاور نزدیک، بالکان و ایران نمود و کتابی به نام المغرب عن بعض عجائب المغرب نوشت.

ابن جبیر یکی از معروف‌ترین جهان‌گردان مسلمان است که با نویسندگان یاد شده همزمان بود. او از اندلس برخاست و در سیاحت‌نامه او که به رحله ابن جبیر معروف شده، اطلاعات جغرافیایی فراوانی آمده است.

معروف‌ترین جغرافی‌دان این قرن، و شاید برجسته‌ترین چهره علم جغرافیا در سراسر قرون وسطی، ابو عبدالله ادریسی است که کتاب الروجاری یا نزهة المشتاق فی اختراق الافاق را برای روجر پادشاه سیسیل در این زمینه نگاشت که در حدود سیصد سال جزء کتب درسی اروپا بود و جغرافی‌دانان از آن تقلید می‌کردند. در این کتاب، هفتاد نقشه از هفت اقلیم وجود دارد. ترجمه کتاب مذکور در سال ۱۵۹۳ میلادی در ژم به زبان لاتین، و در سال ۱۸۳۶ به زبان فرانسوی در فرانسه طبع گردید.^۱

در قرن هفتم نیز آثار جغرافیایی متعددی تألیف شد که بهترین آن‌ها کتاب نفیس معجم البلدان نوشته ابو عبدالله یاقوت حموی بود. در این کتاب اسامی جغرافیایی به ترتیب الفباء و هم‌چنین اسامی اشخاص معروفی که در آن مناطق جغرافیایی زندگی می‌کردند، بیان شده است. این کتاب که تألیف یک برده آزاد شده مسلمان است، در جغرافیای اسلامی همان مقام را دارد که «الکامل» ابن اثیر در تاریخ و «الحاوی» رازی در طب.^۲

بسط الارض فی طولها و العرض تألیف ابن سعید غرناطی و تقویم البلدان تألیف ابوالفداء شامی، بعد از این کتاب قرار دارند که به عقیده پاره‌ای از اهل تحقیق، اروپا در تمام قرون وسطی، اثری که بتوان آن‌را با کتاب «تقویم البلدان» ابوالفداء مقایسه کرد، به وجود نیاورد.^۳

در موضوع جغرافیا در قرن هشتم، کتب «نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر» و «سفرنامه ابن بطوطه»، شایان بیش‌ترین توجه است. در این قرن، ابن بطوطه از آفریقای شمالی، فلسطین، عراق، ایران، روسیه و قسطنطنیه تا بخارا، خراسان، هند، سیلان، سوماترا و جاوه را در طول ۲۴ سال، سیر کرد و به پکن رسید، و سپس تا اندلس

۱- تمدن اسلام و عرب، گوستا و لوبون، ص ۶۰۷؛ علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر، ص ۹۱.
۲- کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب، ص ۷۹؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ابوالقاسم قربانی، صص ۲۴۹ - ۲۴۶.
۳- همان مأخذ، ص ۷۹.

سفر نمود و به اقالیم اروپا راه یافت.^۱

از قرن هشتم به بعد، مسلمانان در زمینه جغرافیا و دریانوردی، در گوشه و کنار کشورهای پهناور اسلامی کتاب‌هایی دیگر نوشتند، مانند:

حسن بن محمد الوزان الزیات، مؤلف کتاب وصف آفریقہ

علامی، مؤلف کتاب آیین اکبری

امین احمد رازی، مؤلف کتاب هفت اقلیم

محمد عاشق، مؤلف کتاب مناظر العوالم

حاجی خلیفه، مؤلف دائرة المعارف جغرافیایی

ابن ماجد، مؤلف کتاب الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد

علی دریا سالار عثمانی، مؤلف کتاب محیط

با این حال، هیچ‌گاه عمق تحقیقات چشمگیر که در نوشته‌های اولیه، مانند ابو عبدالله یاقوت حموی، بیرونی، مسعودی، مقدسی و ... دیده می‌شود، در این آثار به چشم نمی‌خورد.^۲

به طور خلاصه: مسلمین در جغرافیا و جهانگردی، مناطق مهمی را، مانند: روسیه، چین، ژاپن، هند، کره و ... کشف نموده و با آن‌ها روابط گوناگون برقرار کردند که غربی‌ها تا پیش از آن، از آن بی‌خبر و یا با آن‌ها بی‌ارتباط بودند.^۳

به کار بردن قطب‌نما در کشتی، اظهار نظر دربارهٔ کرویت زمین، ترسیم صور و اشکال اقالیم و دریاها و اقیانوس‌ها، هم‌چنین پیدا شدن سکه‌های رایج مسلمین در نواحی مختلف روسیه، فنلاند، سوئد، نروژ، بریتانیا و ایسلند، و رواج پاره‌ای از واژه‌های اسلامی در اروپا، از پیشرفت جغرافیایی و بازرگانی مسلمین حکایت می‌کند.^۴ کریمرز استاد دانشگاه لیدن که مطالعات ارزنده‌ای دربارهٔ جغرافیا و بازرگانی در اسلام دارد، در این باره می‌نویسد:

اروپا باید در علم جغرافیا و اکتشافات و بازرگانی، مسلمین را اجداد فرهنگی خود شمارد. نفوذی که اسلام در تمدن کنونی ما در قسمت‌های مذکور داشته، از روی اصطلاحات و واژه‌هایی که در اصل عربی است و امروز در کار بازرگانی و کشتی‌رانی به کار می‌رود - مانند: ترافیک، تفریق، تاریخ، تعرفه، بازر، بازار، مگزن، مخزن، دیون، دیوان، چک، کارون، کاروان - معلوم می‌شود و حدود این نفوذ فقط با مطالعه تاریخ شرقی سرزمین‌هایی که دربارهٔ آن‌ها معرفت جغرافیایی داریم، مکشوف می‌شود.^۵

کریمرز هم‌چنین می‌گوید:

اولین حقیقت جغرافیایی که این استادان (جغرافی دانان اسلامی) در نتیجه مطالعات خود دریافتند، کرویت زمین بود. باید دانست که بدون درک این حقیقت، کشف آمریکا مقدور نبود.^۶

۱- تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون، ص ۶۰۴.

۲- علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر، ص ۹۳.

۳- میراث اسلام، زیر نظر سیر توماس آرنولد و آلفرد گیوم، ص ۱۹۴.

۴- همان مأخذ، صص ۲۰۳-۱۹۹.

۵- همان مأخذ، صص ۲۰۴-۱۸۰؛ کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب، ص ۸۰؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ابوالقاسم قربانی، صص ۲۴۵-۲۵۱.

۶- همان مأخذ، ص ۱۹۲.

اسامی تعدادی دیگر از جغرافی دانان در تمدن اسلامی

- | | |
|---------------------------|--|
| ۱- ناصر خسرو قبادیانی | ۸- ابوزید حسن سیرافی |
| ۲- یحیی بن سرافیون | ۹- ابوالمنذر هشام بن کلبی |
| ۳- احمد بن محمد همدانی | ۱۰- ابوسعید عبدالحی الغردیزی |
| ۴- حسن بن محمد الوزان | ۱۱- ابوعبدالله محمد بن محمد قرطبی صقلی |
| ۵- علی بن حسن شیزری | ۱۲- ابوالفرج قدامة بن جعفر بغدادی |
| ۶- ابوعبید عبدالله البکری | ۱۳- احمد بن همدانی |
| ۷- ابوالحسن محمد الکنانی | ۱۴- ابودلف معسر بن مهلهل الخزرچی |

خلاصه‌ای در باب علم تاریخ

اصول بنیادی فلسفه تاریخ، فلسفه اقتصاد و جامعه‌شناسی فلسفی را، عبدالرحمن بن خلدون در کتاب مقدمه، به‌طوری حیرت‌آور پی‌ریزی کرده است. تصادفی نیست که وی امروزه از سوی متفکران شرق و غرب، پدر فلسفه تاریخ، اقتصاد و جامعه‌شناسی خوانده می‌شود.

اسامی تعدادی از موزخان در تمدن اسلامی

- | | |
|--------------------------|---|
| ۱- الواقدی | ۱۵- ابن قتیبه دینوری |
| ۲- نصر بن مزاحم | ۱۶- ابوسعید عبدالکریم تمیمی سمعانی |
| ۳- ابن العماد الحنبلی | ۱۷- ابوالحسن علی بن الامام البیهقی |
| ۴- ابن الاثیر | ۱۸- ابوالمظفر اساتید بن مرشد کاتب |
| ۵- الطبری | ۱۹- ابوالحسن علی بن احمد عزالدین |
| ۶- مسعودی | ۲۰- محمد بن ابراهیم بن خلکان |
| ۷- ابن الواضح یعقوبی | ۲۱- جمال‌الدین ابوعبدالله بن واصل |
| ۸- ابوالعباس احمد تیغاشی | ۲۲- عبدالرحمن بن خلدون |
| ۹- ابن حزم | ۲۳- ابوسعید عبدالحی الغردیزی |
| ۱۰- ابن عساکر | ۲۴- علاء‌الدین عطا ملک جوینی |
| ۱۱- مقریزی | ۲۵- ابومروان حیاب بن خلف |
| ۱۲- ابوالفداء | ۲۶- ابوالولید عبدالله محمد الازدی |
| ۱۳- البلاذری | ۲۷- موفق‌الدین احمد بن ابی اصیبعه خزرچی |
| ۱۴- الذهبی | ۲۸- ابوالحسن علی القفطی |

بحثی در مورد ترجمه

بخش عمده‌ای از تحرک علمی جهان اسلام - خصوصاً در حوزه‌هایی چون فلسفه و طبیعیات - از مادر ترجمه زاده شد و با شروع نهضت ترجمه که عنوان بیت‌الحکمه را در پیشانی خود داشت، جمعی از نخبه‌های عالم اسلام، ترجمه را سرلوحه کارهای خویش قرار داده و از این طریق، معارف مغرب‌زمین را به مشرق‌زمین انتقال دادند تا در گهواره تفکر اسلامی، حقیقت خویش را بازیابند.

نقشی که جریان ترجمه در بالندگی مقداری از دانش‌ها و رشته‌ها ایفا نمود، نقشی حساس و تعیین‌کننده بوده و در حقیقت، پلی بوده است از غرب به شرق در راستای به ثمر رساندن «فرهنگ مشترک بشری»^۱. در این میان، بار اصلی را مترجمین بر دوش گرفته و زمینه را برای ظهور و بروز مراحل بعدی هموار کردند.

۱- نظریه‌ای از استاد جعفری که چند دهه پیش، آن را با همین عنوان مطرح کرده و از جمله در «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی»، ج ۷، صص ۴۷۵ و ۴۷۴ ثبت نموده‌اند.

اسامی تعدادی از مترجمین اسلامی و غیر اسلامی در تمدن اسلام

۱- محمد بن ابراهیم الفزاری	۱۴- اسحاق اسرایلی
۲- ابوالحسن اهوازی	۱۵- موسی بن میمون
۳- ابوالحسن ثابت بن قزّه همدانی	۱۶- قُسطی بن لوقا بعلبکی
۴- مطهر بن طاهر المقدسی	۱۷- شاپور بن سهل
۵- عبدالمسیح بن ناعمه حمصی	۱۸- یحیی بن سراقیون
۶- ابن توما الرهاوی	۱۹- متی بن یونس
۷- جرجیس بن جبرئیل نسطوری	۲۰- ابراهیم بن یعقوب
۸- جبرئیل بن بُختیشوع	۲۱- ابوسهل عیسی بن یحیی جرجانی
۹- ابویحیی البطریق	۲۲- ابوزکریا یحیی بن یوحنا بن ماسویه
۱۰- ابوزکریا یحیی بن البطریق	۲۳- یونس بن اسحاق بن بکلادش
۱۱- یعقوب بن طارق	۲۴- ابوالبیان بن المدور
۱۲- سه فرزند موسی بن شاکر	۲۵- ابوالفرج یعقوب بن اسحاق
۱۳- حنین بن اسحاق	۲۶- ابوالمنی بن ابی نصر الهارونی

فقه و حقوق در تمدن اسلامی

بدان جهت که فقه اسلامی شامل همه علوم مربوط به تکالیف فردی و اجتماعی است، بر این اساس، در مکتب اسلام از گسترش و تحقیق و بررسی فوق العاده‌ای برخوردار بوده و در هر عصری از اعصار اسلامی، صدها فقیه و حقوق دان اسلامی فعالیت فقهی داشته‌اند، بنابراین اصولاً احتیاجی به ذکر توضیحات پیرامون نمونه‌هایی از فقها مشاهده نمی‌شود. اما لازم است به این نکته اشاره کنیم که شیخ طوسی (محمد بن الحسن) اولین کسی بود که حقوق یا فقه تطبیقی را بنیان‌گذاری نمود. کتاب *الخلافا* این فقیه نیز در این زمینه تألیف شده است. در این قسمت، عناوین تعدادی از فقها و حقوق دانان اسلامی که نامشان بر فراز قرون و اعصار می‌درخشد، ذکر می‌شود.

... از فقها و حقوق دانان در تمدن اسلامی^۱

۱- ابن ادریس حلی	۸- شهید اول
۲- شیخ صدوق	۹- شهید ثانی
۳- شیخ مفید	۱۰- محقق کرکی
۴- مرتضی علم الهدی	۱۱- شیخ بهایی
۵- علامه حلی	۱۲- مجلسی اول
۶- محقق حلی	۱۳- صاحب جواهر
۷- ابن طاووس	۱۴- شیخ انصاری

علمای اخلاق اسلامی

این گروه از دانشمندان نیز در تمدن اسلام بسیار زیادند و احتیاجی به ذکر نمونه‌ای از آنان دیده نمی‌شود. کثرت دانشمندان علم اخلاق، معلول این حقیقت است که قرآن و سنت که دو منبع از منابع چهارگانه اسلامی است، به رعایت اخلاق انسانی - الهی تشویق و تحریک زیاد نموده است. حتی یک حدیث معتبر از احادیث نبوی می‌گوید:

۱. ر.ک: مقدمه‌ای بر فقه شیعه - کلیات و کتاب‌شناسی - سید حسین مدرّسی طباطبایی، انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر).

بُعْتُ لِتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

من برای تکمیل اخلاق مبعوث شده‌ام.

این حدیث، علت بعثت پیامبر اکرم را شکوفا ساختن اخلاق معرفی کرده است.

تفسیر، حدیث و ادبیات

طبق علتی که در بالا متذکر شدیم، در مکتب اسلام با بودن قرآن و سنت، طبیعی بود که هزاران دانشمند و متفکر به دو علم تفسیر و حدیث اشتغال بورزند. به همین جهت، تاکنون درباره تفسیر و حدیث در مکتب اسلام هزاران مجلد کتاب تألیف شده است. اما در خصوص ادبیات باید بگوییم: درست است که اقوام عرب در رشته‌های ادبی، شعری و داستانی سوابق طولانی داشته‌اند، ولی همه می‌دانیم که ادبیات دوران جاهلیت قبل از ظهور اسلام، جز بازگوکننده عواطف و هیجانات خام در قالب مقداری از مفاهیم طبیعی، چیزی دیگر نداشته است. امرؤالقیس، البهار زهیر و نابغه ذبیانی و امثال آنها، با داشتن اطلاع بسیار وسیع از لغت، از نظر محتوای ادبی، متأسفانه فقط در توصیف و تجسم‌های معدودی از پدیده‌های فطری و نمودهای طبیعت محدود مانده‌اند. دو نفر از کسانی که به دوران پیشین تعلق دارند و از نظر ادبی، حتی امروز هم قابل توجه هستند، عبارتند از: لبیدبن ربیعہ عامری و قس بن ساعدة ایادی.

ایادی در جنبه‌هایی چون: حقوقی، فصل خصومت‌ها، و خطابه‌های پند و اندرزی بیش‌تر معروف بوده است. اما پس از ظهور اسلام، روحیه ادبی در عرب و دیگر کشورهای اسلامی چنان شکوفا شد که واقعاً قابل توصیف و تحدید نمی‌باشد. اسلام، ذوق‌ها و قریحه‌ها را در همه شؤون انسانی بیدار کرد و حماسه، اخلاق، توصیف صفات عالی و رذایل اوصاف انسانی را در دو حال فردی و اجتماعی، با قرآن محوری و عقل‌گرایی توجیه منطقی و انسانی کرد.

نتیجه این توجیه انسانی، ظهور و بروز هزاران شاعر و نویسنده ادبی ماهر بود که در قالب‌های ادبی خود، عالی‌ترین محتویات را بیان نمودند. به عنوان مثال می‌توان یاد کرد از مضامین بسیار والای اشعار سید رضی، منتبّی، مهیار دیلمی، کمیت اسدی، فرزندق و ابوفراس، که با اشعار شعرای جاهلی به هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست؛ چنان‌که بینش ادبی نظامی گنجوی، ناصر خسرو قبادیانی و رودکی و ابیات حکیمانه فردوسی و خواجه کرمانی و هزاران ادیب دیگر که در بیابان تاریخ گم شده‌اند، با ادبیات ایران پیش از اسلام قابل مقایسه منطقی نمی‌باشد.

اگر بخواهیم فهرستی از ادبای برجسته اسلامی را تهیه کنیم، یقیناً گستره موضوع از ده‌ها مجلد هم بیش‌تر خواهد بود. مراجعه به کتاب‌هایی هم‌چون: معجم‌الادباء در ده مجلد و اغانی اصفهانی در چند مجلد در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. جان برنال می‌گوید:

نمایشنامه‌ها و اشعار یونانی نیز به کار اعراب (مسلمانان) نمی‌آید، زیرا ملتی که خود از منابع پر باری از افسانه‌ها و شعر سرشار بود، نمی‌توانست از اشعار و نمایشنامه‌های یونانی چیزی فرا گیرد.^۱

۱- علم در تاریخ، جان برنال، ج ۱، ص ۲۰۸.

بدان جهت که اسلام، نظام فکری و جهان بینی را نه تنها محدود نکرده، بلکه با شدت تمام - بدون محدودیت و تقید به راه مخصوص و با ابزار و وسایل مشخص - نظام های جهان بینی و تفکر را مورد تشویق قرار داده و در دعوت به تفکر و جهان بینی، آیات زیادی در قرآن صادر شده است، بر این اساس بروز و ظهور فلاسفه، حکما، عرفا و متکلمین بسیار فراوان، پدیده ای طبیعی بود. چرا که اگر با آن همه تشویق و تأکید، خیل انبوه حکما بروز نمی کردند، امری خلاف انتظار می بود. برای آگاهی از این کاروان انبوه جهان بینی، حکما، عرفا و متکلمین کتاب های زیادی به عنوان فهرست در دسترس ما قرار دارد، مانند: *تاریخ الحکماء تألیف قفطی، تراث الانسانیة، تذکرة الاولیاء، نفحات الانس، فلاسفة الشيعة (فلاسفة شیعه) و تاریخ عرفا و حکما متأخر بر صدر المتألهین*. از برجسته ترین فلاسفه و حکمای اسلامی، به عنوان نمونه می توان اشخاص زیر را نام برد:

- | | |
|---------------------------------|------------------------------|
| ۱- ابن سینا (حسین بن عبدالله) | ۱۲- سید حیدر آملی |
| ۲- محمد بن محمد بن طرخان فارابی | ۱۳- شمس الدین خسروشاهی |
| ۳- ابو حامد غزالی | ۱۴- جلال الدین محمد مولوی |
| ۴- ابن طفیل | ۱۵- شیخ محمود شبستری |
| ۵- ابن مسکویه | ۱۶- صدر المتألهین شیرازی |
| ۶- ابن رشد | ۱۷- میر محمد باقر داماد |
| ۷- کندی | ۱۸- ملا محسن فیض کاشی |
| ۸- فخر رازی | ۱۹- بهمنیار (شاگرد ابن سینا) |
| ۱۰- ناصر خسرو قبادیانی | ۲۰- حاج ملاهادی سبزواری |
| ۱۱- خواجه نصیرالدین طوسی | ۲۱- ملا علی زرنوزی |

هر یک از این فلاسفه و حکماء و عرفا، شخصیت هایی هستند که تفکرات خود را در زمینه مکتب اسلام به وجود آورده اند، بدون این که بخواهند معرفت و بینش اسلامی را در خود منحصر سازند. فراموش نمی کنیم که به جهت نظم غیر مشروط و نامحدود جهان بینی اسلامی، جلال الدین محمد مولوی توانست در اثر جاویدان خود - مثنوی - اصول جهان بینی، انسان شناسی و انسان سازی را با بازنه ترین نظام (سیستم)، از تفکرات حکمای هند گرفته تا پراگماتیسم امروز، مطرح نماید و با استشهاد به قرآن و تفسیر بیش از ۲۰۰۰ آیه قرآنی، جهان شمول و فراگیر بودن مکتب اسلام را بر فراز همه اصول جهان بینی، انسان شناسی و انسان سازی اثبات کند.

جان برنال می گوید:

در قاموس علم، می توان کوشش هایی را که از قرن نهم تا چهاردهم میلادی (قرن سوم تا قرن هشتم هجری) صورت گرفته است، یک کوشش واحد اسلامی - لاتینی دانست که جهان بینی علمای کلاسیک را تکمیل کرد.^۱

نمونه ای از دانشمندان اسلامی در اقتصاد

۱- صفوان جمال (از شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام)

۱- همان مأخذ، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲- ابویوسف یعقوب بن ابراهیم

۳- ابو عبید القاسم بن سلام

۴- ابن یحیی دمشقی

۵- عبدالرحمن بن خلدون. او کسی بود که برای اولین بار در تحقیقات علمی اقتصادی خود - حدود ۴۵۰ سال پیش از ریکاردو - ارزش کار و کالا را مطرح کرد.

ما در این مباحث، نمونه‌های ناچیزی از دانشمندان و متفکران جهان بینی و حکمی را مطرح کرده‌ایم. این کار فقط برای آن بود که اشخاصی که در این زمینه اطلاعات زیادی ندارند، به تشویق و تحریک اسلام به واقعیت‌های سرگذشت علم و معرفت بشری آگاه شوند، و الاً باید مجلداتی پر تعداد را به عنوان دائرةالمعارف دانش‌ها و فلسفه‌ها و ادبیاتی که دانشمندان اسلامی به بشریت عرضه نموده‌اند، تألیف می‌نمودیم تا همه مسائل را تحقیق کرده باشیم.

پایان